



قانون تجارت

مصوب 13 اردیبهشت ماه 1311 شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

باب اول

تجار و معاملات تجاری

ماده 1 - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.

ماده 2 - معاملات تجاری از قرار ذیل است:

(1) خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.

(2) تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.

(3) هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

(4) تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

(5) تصدی به عملیات حراجی.

(6) تصدی به هر قسم نمایشگاه های عمومی.

(7) هر قسم عملیات صرافی و بانکی.

(8) معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.

9) عملیات بیمه بحری و غیر بحری

10) کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

ماده 3 - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتی محسوب می شود:

1) کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها.

2) کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می نماید.

3) کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتی ارباب خود می نماید.

4) کلیه معاملات شرکت های تجارتی.

ماده 4 - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی شود.

ماده 5 - کلیه معاملات تاجر تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتی نیست.

باب دوم

دفاتر تجارتی و دفتر ثبت تجارتی

فصل اول - دفاتر تجارتی

ماده 6 - هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

1) دفتر روزنامه.

2) دفتر کل.

(3) دفتر دارایی.

(4) دفتر کپیه.

ماده 7 - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و معاملات راجع به اوراق تجاری (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید.

ماده 8 - دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

ماده 9 - دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده 10 - دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید. تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.

ماده 11 - دفاتر مذکور در ماده 6 به استثناء دفتر کپیه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شده باشد به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضاء خواهد شد. برای دفتر کپیه امضاء مزبور لازم نیست ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالیانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت

خواهد شد.

حق امضاء از قرار هر صد صفحه یا کسور آن دو ریال به علاوه مشمول ماده (135) قانون ثبت اسناد است.

ماده 12 - دفتری که برای امضاء به متصدی امضاء تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضاء مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضاء و دو طرف قیطان را با مهر سربی که وزارت عدلیه برای این مقصود تهیه می نماید منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده 13 - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفترنویسی معمول است و در حاشیه و یا بین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سالی لااقل تا ده سال نگاهدارد.

ماده 14 - دفاتر مذکور در ماده 6 و سایر دفاتری که تاجر برای امور تجاری خود به کار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تاجر - در امور تجاری - سندیت خواهد داشت و غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده 15 - تخلف از ماده 6 و ماده 11 مستلزم دویست تا ده هزار ریال جزای نقدی است.

این مجازات را محکمه حقوق رأساً و بدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

فصل دوم - دفتر ثبت تجاری

ماده 16 - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تأسیس کند

کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثنای کسبه جزء باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجارتی به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده 17 - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجارتی را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده 18 - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجارتی هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال محکوم می شود.

ماده 19 - کسبه جزء مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

باب سوم

شرکتهای تجارتی

فصل اول

در اقسام مختلفه شرکتهای و قواعد راجعه به آنها

ماده 20 - شرکتهای تجارتی بر هفت قسمت است:

(1) شرکت سهامی.

(2) شرکت با مسئولیت محدود.

(3) شرکت تضامنی.

(4) شرکت مختلط غیر سهامی.

(5) شرکت مختلط سهامی.

(6) شرکت نسبی.

(7) شرکت تعاونی تولید و مصرف.

مبحث اول - شرکت سهامی

1 - کلیات

ماده 21 - شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجاری تشکیل و سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به سهام آنها است.

ماده 22 - در اسم شرکت سهامی نام هیچیک از شرکاء قید نخواهد شد - در اسم شرکت باید کلمه (سهامی) قید شود.

ماده 23 - سهام ممکن است با اسم یا بی اسم باشد.

ماده 24 - سهام بی اسم به صورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالک شناخته می شود مگر آنکه خلاف آن قانوناً ثابت گردد - نقل و انتقال این نوع سهام به قبض و اقباض به عمل می آید.

ماده 25 - انتقال سهام با اسم باید در دفتر شرکت به ثبت برسد صاحب سهم باید شخصاً یا به توسط وکیل انتقال را در دفتر شرکت تصدیق و امضا نماید.

ماده 26 - سهام ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی - سهام غیر نقدی سهامی است که در ازاء آن به جای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیازنامه و غیره داده شود.

ماده 27 - قیمت سهام و همچنین قیمت قطعات سهام (در صورت تجزیه) متساوی خواهد بود.

ماده 28 - در صورتی که سرمایه شرکتهای سهامی از دویست هزار ریال تجاوز نکند سهام

یا قطعات سهام نباید کمتر از پنجاه ریال باشد و هر گاه سرمایه زائد بر دویست هزار

ریال باشد سهام و قطعات سهام کمتر از یک صد ریال نخواهد بود.

ماده 29 - مادام که شرکت سهامی تشکیل نشده سهام یا تصدیق موقتی (اعم از با اسم یا بی اسم) نمی توان صادر کرد هر سهم یا تصدیق موقتی که قبل از تشکیل شرکت به کسی داده شده باشد باطل و صادرکنندگان متضامناً مسئول خساراتی هستند که به دارندگان این قبیل اوراق وارد شده است.

تا زمانی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام تأدیه نشده نمی توان سهام بی اسم یا تصدیق موقتی بی اسم انتشار داد.

ماده 30 - کسانی که تعهد ابتیاع سهام کرده اند تا موقعی که پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را نپرداخته اند مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگر چه سهام خود را به دیگری منتقل کرده و منتقل الیه نیز پرداخت بقیه را تعهد کرده باشد.

ماده 31 - بعد از تأدیه پنجاه درصد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر اینکه اساسنامه شرکت آن را تجویز کرده باشد که در این صورت منتقل الیه مسئول تأدیه آن بقیه است.

ماده 32 - هر کس تعهد ابتیاع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد علاوه بر آن وجه به خسارات تأخیر تأدیه (از قرار صدی دوازده در سال و به نسبت مدت تأخیر) محکوم خواهد شد.

ماده 33 - اساسنامه شرکت می تواند نسبت به اشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده حتی مقرر دارد که در صورت عدم تأدیه بقیه قیمت سهام مقدار تأدیه شده از آن بابت بلاعوض تعلق به شرکت یافته و تعهدکننده نسبت به سهام تعهدی هیچ حقی

نداشته باشد لیکن در این صورت پرداخت وجه تعهد شده باید لا اقل سه مرتبه به وسیله

مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یک ماه منقضی شده باشد در مورد

سهام بی اسم به جای مکتوب اعلان در جراید به عمل خواهد آمد مفاد این ماده باید در

موقع تعهد صریحاً در دفتر شرکت قید شده و متعهد ذیل آن را امضاء نماید.

ماده 34 - خواه در سهام با اسم و خواه در سهام بی اسم مادام که قیمت آنها کاملاً

تأدیه نشده است باید آن مقدار از قیمت که پرداخته شده صریحاً روی سهم قید شود به

علاوه شرکت مکلف است در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که

به طور خطی یا چاپی صادر یا منتشر می نماید میزان سرمایه خود و آن قسمتی را که

تأدیه شده است صریحاً قید کند.

ماده 35 - هر شرکت سهامی می تواند به موجب رأی مجمع عمومی که مطابق ماده (74) این

قانون تشکیل شده باشد سهام ممتاز به ترتیب دهد که نسبت به سایر سهام رجحان و مزایایی

داشته باشد ولی ایجاد این نوع سهام مشروط است به اینکه اساسنامه شرکت چنین اقدامی

را تجویز کرده باشد.

2 - تشکیل شرکت

ماده 36 - شرکت سهامی به موجب شرکتنامه که در دو نسخه نوشته شده باشد تشکیل

می شود یکی از نسختین به طوری که در ماده (50) مقرر است ضمیمه اظهارنامه مدیر شرکت

و دیگری در مرکز اصلی شرکت ضبط خواهد شد.

ماده 37 - شرکت باید دارای اساسنامه باشد که نکات ذیل مخصوصاً در آن تصریح بشود:

(1) اسم و مرکز اصلی شرکت.

(2) موضوع شرکت.

3) مدت شرکت در صورتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل شود.

4) مقدار سرمایه شرکت و مقدار قیمت سهام.

5) نوع سهام (که سهام با اسم یا بی اسم) عده هر نوع از سهام و تعیین اینکه سهام

با اسم و بی اسم به چه شکل ممکن است به هم تبدیل شود در صورتی که این تبدیل اساساً پذیرفته باشد.

6) هیأت های اداره و تفتیش.

7) عده سهامی را که مدیران شرکت باید به صندوق شرکت بسپارند.

8) مقررات راجع به دعوت مجمع عمومی و حق رأی صاحبان سهام و طریقه شور و اخذ رأی.

9) مطالبی که برای قطع آن در مجموع عمومی اکثریت مخصوصی لازم است.

10) طرز ترتیب صورت حساب سالیانه و رسیدگی به آن و همچنین اصولی که برای حساب منافع و تقسیم آن باید رعایت شود.

11) طریق تغییر اساسنامه.

ماده 38 - تشکیل شرکت های سهامی محقق نمی شود مگر بعد از آنکه تأدیه تمام سرمایه

شرکت تعهد شده باشد به علاوه هر گاه سهام یا قطعات آن زائد بر پنجاه ریال نباشد

تعهدکنندگان باید تمام وجه را تأدیه نمایند و الا باید لااقل ثلث قیمت سهام را

نقداً بپردازند و در هر حال وجهی که پرداخته می شود نباید کمتر از 50 ریال باشد.

ماده 39 - چیزی که در ازاء سهام غیر نقدی تعهد شده تماماً باید تحویل شود.

ماده 40 - مؤسسين باید پس از تنظیم نوشته که حاکی از تعهد پرداخت سرمایه شرکت و

تأدیه واقعی ثلث سرمایه نقدی است مجمع عمومی شرکت را دعوت نمایند این مجمع اولین

مدیرهای شرکت و همچنین مقتش (کمیسر) هایی را که به موجب ماده (62) مقرر است معین

می کند.

ماده 41 - هر گاه یکی از تعهدکنندگان سهم غیر نقدی اختیار کند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه نماید مجمع عمومی در جلسه اول که منعقد می شود امر به تقویم سهم غیر نقدی نموده یا موجبات مزایای مطالبه شده را تحت نظر می گیرد تصویب قطعی تقویم یا موجبات مزایا به عمل نمی آید و تشکیل شرکت واقع نمی شود مگر در جلسه دیگر مجمع عمومی که بر حسب دعوت جدید منعقد خواهد شد و برای اینکه در جلسه دوم تقویم یا موجبات مزایا تصویب شود باید لااقل پنج روز قبل از انعقاد جلسه راپرتی در این خصوص طبع و بین تمام تعهدکنندگان توزیع شده باشد تصویب امور مذکور باید به اکثریت دو ثلث تعهدکنندگان حاضر باشد و جلسه مجمع عمومی قانونی نخواهد بود مگر اینکه عدداً نصف کل شرکایی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده اند حاضر بوده و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند کسانی که دارای سهم غیر نقدی هستند یا مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که سهم غیر نقدی یا مزایای آنها موضوع رأی است حق رأی ندارند آن قسمت از سرمایه غیر نقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزو سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد اگر در جلسه دوم مجمع عمومی نصف تعهدکنندگان سهام نقدی و نصف سرمایه نقدی حاضر نشود.

مجمع به طور موقت تصمیم خواهد گرفت و مطابق قسمت اخیر ماده (45) رفتار می شود.

هر گاه سهام غیر نقدی یا موجبات مزایایی که مطالبه شده و تصویب نشود هر یک از تعهدکنندگان می تواند از شرکت خارج شود.

ماده 42 - تصویب مراتب مذکور در ماده فوق مانع نیست از اینکه بعداً نسبت به آنها دعوی تزویر و تقلب اقامه شود.

ماده 43 - هر گاه شرکت بین اشخاصی منعقد شود که سرمایه های غیر نقدی مشاعاً و منحصرأً متعلق به خودشان باشد رعایت ترتیبات مذکوره در ماده (41) راجع به تقویم سهام غیر نقدی لازم نخواهد بود.

ماده 44 - اظهارنامه که به موجب ماده (50) به دایره ثبت اسناد باید تسلیم شود مؤسسين شرکت تهیه نموده با اسناد مربوطه به اولین مجمع عمومی تقدیم می نمایند تا مجمع صحت یا سقم آن را معین کند.

ماده 45 - مجمع عمومی که در باب صحت اظهارات مؤسسين اظهار رأی و اولین مدیرها و مفتشين را انتخاب می نماید باید از یک عده صاحبان سهام مرکب شود که لااقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند - اگر در مجمع عمومی عده که نصف سرمایه را دارا باشند حاضر نشدند تصمیمات مجمع موقتی خواهد بود در این صورت مجمع عمومی جدیدی دعوت می شود و اگر پس از آنکه لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آن را تصویب نمود تصمیمات مزبوره قطعی می شود مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده حاضر شوند که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند.

تبصره - جرایدی که اعلانات فوق را باید منتشر نمایند همه ساله توسط وزارت عدلیه معین و اعلان خواهد شد.

ماده 46 - مجمع عمومی فوق اولین مدیرها و مفتشين شرکت را انتخاب می کند مفتشين برای سال اول و مدیران منتها برای مدت چهار سال معین می شوند مدیرها را می توان پس از انقضاء مدت چهار سال مجدداً انتخاب نمود مگر آنکه اساسنامه شرکت غیر از این مقرر داشته باشد ولی در صورتی که بر حسب مقررات اساسنامه تعیین آنها موکول به تصویب

مجمع عمومی نباشد مدت مدیری آنها بیش از دو سال نخواهد بود.

ماده 47 - در صورتی که مدیرها و مفتشینی که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده اند قبول انجام وظیفه نمایند قبولی آنها در صورت مجلس قید و شرکت از همان تاریخ تشکیل می گردد.

3 - مدیرهای شرکت و وظایف آنها

ماده 48 - شرکت سهامی به واسطه یک یا چند نفر نماینده موظف یا غیر موظف که از میان شرکاء به سمت مدیری و برای مدت محدودی معین شده و قابل عزل می باشند اداره خواهد شد.

ماده 49 - در صورتی که چند نفر به سمت مدیری معین شده باشند باید یک نفر از میان خود به سمت ریاست انتخاب کنند - رییس مزبور و هر یک از مدیران می توانند در صورتی که اساسنامه شرکت اجازه داده باشد با تصویب یکدیگر یک نفر شخص خارج را به جای خود معین کنند ولی مسئولیت اعمال شخص خارج به عهده خود آنها خواهد بود.

ماده 50 - برای این که تعهد و تأدیه وجه سرمایه از طرف شرکاء ثابت شود باید مدیر شرکت وقوع آن را به موجب نوشته که به دایره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت می سپارد و به ثبت می رسد اعلام نماید و باید اسامی شرکاء را با مقداری از سرمایه که پرداخته شده با یک نسخه از اساسنامه و یکی از نسخین شرکتنامه به نوشته مزبور منضم نماید.

ماده 51 - مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

ماده 52 - مدیرها باید یک عده سهامی را که به موجب اساسنامه مقرر است دارا باشند این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از اعمال اداری مدیرها مشترکاً یا

منفرداً بر شرکت وارد شود- سهام مذکوره با اسم بوده و قابل انتقال نیست و به وسیله

مهری که بر روی آنها زده می شود غیر قابل انتقال بودن آنها معلوم و در صندوق شرکت ودیعه خواهد ماند.

ماده 53 - مدیرهای شرکت نمی توانند بدون اجازه مجمع عمومی در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم سهام شوند و در صورت اجازه باید صورت مخصوص آن را همه ساله به مجمع عمومی بدهند.

ماده 54 - مدیران هر شرکت سهامی باید شش ماه به شش ماه خلاصه صورت دارایی و قروض شرکت را مرتب کرده به مفتشین بدهند.

ماده 55 - مدیران هر شرکت سهامی باید مطابق ماده (9) این قانون صورت حسابی که متضمن دارایی منقول و غیر منقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد مرتب کنند - این صورت حساب و همچنین بیلان حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهار روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند.

ماده 56 - از پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می تواند در مرکز شرکت به صورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از راپورت مفتشین سواد بگیرد.

ماده 57 - همه ساله لااقل یک بیستم از عایدات خالص شرکت برای تشکیل سرمایه احتیاطی موضوع خواهد شد - همین که سرمایه احتیاطی به عشر سرمایه شرکت رسید موضوع کردن این مقدار اختیاری است.

ماده 58 - اگر به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود مدیران شرکت مکلفند تمام صاحبان سهام را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نمایند تا موضوع انحلال

یا ابقاء شرکت مورد شور و رأی شود - تصمیم این مجمع در هر حال منتشر خواهد شد.

ماده 59 - هر گاه مدیران شرکت برخلاف ماده فوق مجمع عمومی را دعوت نکردند و یا مجمعی که دعوت می شود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد هر ذیحقی می تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهد.

ماده 60 - هر گاه یک یا چند نفر از ارباب سهامی که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک خمس سرمایه شرکت باشد کتباً تقاضای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده نمایند و منظور خود را در آن تقاضانامه تصریح نموده باشند باید مجمع عمومی به طور فوق العاده منعقد شود.

ماده 61 - مدیرهای شرکت در مقابل شرکت یا اشخاص ثالث برای تخلف از مقررات این قانون و تقصیراتی که در اعمال اداری شرکت مرتکب شوند موافق قواعد عمومی مسئول می باشند مخصوصاً در موقعی که منافع موهومی را تقسیم نمایند یا از تقسیم منافع موهومی جلوگیری نکنند.

4 - مفتشین شرکت و وظایف آنها

ماده 62 - مجمع عمومی سالیانه یک یا چند مفتش (کمیسر) معین می کند - مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکاء نیز انتخاب شوند مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج) و صورت حسابهای که مدیرها تقدیم می کنند راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند - تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیلان و صورت حسابهای مدیران اخذ می شود معتبر نخواهد بود - در صورتی که مجمع عمومی مفتشین مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از مفتشینی که معین شده اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند رییس

محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت به تقاضای هر ذیحقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنهایی که نتوانسته اند یا امتناع کرده اند مفتشین جدیدی معین می کند.

ماده 63 - در ظرف سه ماه قبل از تاریخی که به موجب اساسنامه شرکت برای انعقاد مجمع عمومی معین است مفتشین می توانند به دفاتر شرکت مراجعه نموده و از عملیات آن تحقیقاتی بنمایند مفتشین می توانند در مواقعی که ضرورت فوری دارد مجمع عمومی را دعوت نمایند.

ماده 64 - حدود مسئولیت مفتشین و اثرات آن همان است که راجع به حدود مسئولیت وکلاء و اثرات آن در مقابل موکلین قانوناً معین است.

5 - مجمع عمومی شرکت

ماده 65 - مجمع عمومی شرکت باید لا اقل سالی یک دفعه در موقعی که به موجب اساسنامه معین است منعقد شود.

ماده 66 - اساسنامه معین می کند برای حق ورود در مجمع چند سهم (به عنوان وکالت یا مالکیت) باید داشت.

ماده 67 - عده آرای که هر یک از شرکاء به نسبت عده سهام خود دارند به موجب اساسنامه معین می گردد.

ماده 68 - در جلسات مجمع عمومی هیچکدام از صاحبان سهام معمولی و صاحبان سهام ممتاز از حیث رأی تفاوتی ندارند مگر اینکه اساسنامه شرکت طور دیگر مقرر کرده باشد.

ماده 69 - دارندگان سهامی که عده سهام هر یک از آنها برای حضور یا رأی در مجمع

عمومی کافی نیست می توانند به اندازه که مجمع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رأی کافی باشد با یکدیگر متفق شده یک نفر را از میان خود برای حضور و رأی در مجمع مذکور معین نمایند.

ماده 70 - در مجامع عمومی که برای رسیدگی به سهم الشرکه و مزایا مطابق ماده (41) و در مجامعی که برای تعیین اولین مدیرها و مفتشین و تصدیق اظهارات مؤسسين مطابق ماده (45) منعقد می شود کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند می توانند حضور به هم رسانند.

ماده 71 - مجمع عمومی شرکت جز در موارد مذکور در مواد (41 و 45 و 74) باید مرکب از یک عده صاحبان سهامی باشد که لااقل ثلث سرمایه شرکت را دارا باشند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشد مجمع عمومی جدیدی مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو اینکه حد نصاب فوق حاصل نشود.

ماده 72 - تصمیمات مجمع عمومی به اکثریت آراء خواهد بود.

ماده 73 - در مواردی که مجمع عمومی شرکاء نسبت به حقوق نوع مخصوصی از سهام تصمیمی نماید که تغییری در حقوق آنها بدهد آن تصمیم قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه صاحبان سهام مزبوره در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب نمایند و برای اینکه آراء جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید حاضرین جلسه لااقل صاحب بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشد که موضوع مذاکره است.

ماده 74 - در مجامع عمومی که برای امتداد مدت شرکت یا برای انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه تشکیل می شود باید عده از صاحبان سهام که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر گردند.

اگر در مجمع عمومی عده که سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند حاضر نشدند ممکن است

مجمع عمومی جدیدی دعوت کرد مشروط بر اینکه لااقل یک ماه قبل از انعقاد مجمع دو

دفعه متوالی به فاصله هشت روز به وسیله یکی از جراید محل (که سالیانه از طرف

وزارت عدلیه معین می شود) دستور جلسه قبل و نتیجه آن اعلان گردد.

مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لااقل نصف سرمایه شرکت حاضر باشند اگر

این حد نصاب حاصل نشد ممکن است با رعایت تشریفات فوق مجمع عمومی دیگری دعوت نمود

این مجمع با حضور صاحبان لااقل ثلث سرمایه شرکت حق تصمیم خواهد داشت در هر یک از

سه مجمع فوق تصمیمات به اکثریت دو ثلث آراء حاضر گرفته می شود.

در این مجامع کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک

سهام یک رأی دارند ولو اینکه اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد.

هیچ مجمع عمومی تابعیت شرکت را نمی تواند تغییر بدهد.

بر تعهدات صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمی توان افزود.

ماده 75 - در مجمع عمومی ورقه حاضر و غائبی خواهد بود حاوی اسم و محل اقامت و عده

سهام هر یک از شرکاء ورقه مزبور پس از تصدیق هیأت رییس مجمع در مرکز شرکت حفظ و

به هر کسی تقاضا نماید ارائه می شود.

6 - در تبدیل سهام

ماده 76 - هر گاه شرکت بخواهد به موجب مقررات اساسنامه سهام بی اسم خود را به

سهام با اسم تبدیل نماید باید اعلانی در این موضوع منتشر کرده و مهلتی که کمتر از

شش ماه نباشد به صاحبان سهام بدهد تا در ظرف مهلت مزبور سهام خود را به سهام جدید

تبدیل نمایند.

ماده 77 - اعلان مذکور در فوق باید در مجله رسمی عدلیه و در یکی از جراید

کثیرالانتشار مرکز اصلی شرکت دو دفعه و به فاصله ده روز منتشر شود در صورتی که مرکز اصلی شرکت در خارج از تهران باشد باید در یکی از روزنامه های یومیه تهران که همه ساله از طرف وزارت عدلیه برای انتشار این قبیل اعلانات معین می شود نیز منتشر گردد.

ابتداء مهلت از تاریخ اولین انتشار اعلان در مجله رسمی خواهد بود.

ماده 78 - هر صاحب سهمی که سهام خود را تا انقضاء مهلت مذکور در ماده (76) به سهام جدید تبدیل نکند دیگر نمی تواند تقاضای تبدیل نماید و شرکت حق خواهد داشت سهام جدیدی را که در ازاء سهام تبدیل نشده موجود می باشد به اشخاص دیگر به طریق مزایده بفروشد.

ماده 79 - قیمت سهامی که به طریق مذکور در فوق فروخته می شود در مرکز اصلی شرکت یا در بانک ملی ایران ودیعه گذاشته خواهد شد و هر گاه در ظرف ده سال از تاریخ فروش سهام صاحب سهم سابق خود را نداده و وجهی را که به طریق فوق امانت گذاشته شده است مطالبه ننماید نسبت به حق او مرور زمان حاصل شده و وجه مزبور در حکم اموال بلاصاحب بوده و مدیر شرکت مکلف است آن را به مقامات صلاحیتدار تسلیم نماید - هر مدیر شرکت که به این تکلیف عمل نکند به تأدیه سه برابر وجه مذکور محکوم خواهد شد.

ماده 80 - در صورتی که شرکت بخواهد سهام با اسم خود را به سهام بی اسم تبدیل نماید باید مراتب را به طریقی که فوقاً مقرر است یک مرتبه اعلان نماید و اگر در ظرف مهلتی که معین می شود و نباید کمتر از دو ماه باشد صاحبان سهام با اسم خود را

به سهام بی اسم تبدیل نکنند سهام بااسمی که در دست آنها باقی می ماند باطل و سهام

جدید در مرکز اصلی شرکت به اسم آنها ودیعه خواهد بود.

ماده 81 - در هر موقع که شرکت بخواهد تصدیق های موقتی را که به اشخاص داده تبدیل

به سهام کند در مورد تصدیقهای موقتی بی اسم مطابق مقررات مواد (76) و (77) و (78)

و (79) و در مورد تصدیق موقتی با اسم مطابق ماده (80) رفتار خواهد شد.

7 - بطلان شرکت و یا بطلان اعمال و تصمیمات آن

ماده 82 - هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد 28 - 29 - 36 - 37 - 38 - 39 - 41

- 44 - 45 - 46 - 47 - 50 این قانون را رعایت نکرده باشد از درجه اعتبار ساقط و

بلاثر خواهد بود لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد

نمایند.

ماده 83 - در هر مورد که موافق مقررات ماده قبل محکمه بر بطلان شرکت یا اعمال و

تصمیمات آن حکم کند مؤسسه‌ای که مسئول این بطلان هستند و همچنین مفتشین و مدیرهایی

که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه

نکرده اند متضامناً مسئول خساراتی خواهند بود که از این بطلان به صاحبان سهام و

اشخاص ثالثی متوجه می شود همین مسئولیت ممکن است به شرکایی متوجه شود که سهم غیر

نقدی آنها تقویم و تصویب نشده یا مزایایی که مطالبه کرده اند به تصدیق نرسیده

باشد.

ماده 84 - هر گاه قبل از اقامه دعوی برای ابطال شرکت یا برای ابطال عملیات و

قراردادهای شرکت موجبات بطلان مرتفع شود دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده 85 - اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یک سال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت

معاملاتی که با ایشان شده است به استناد اموری که موجب بطلان بوده دعوی خسارت

نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمی شود.

ماده 86 - هر گاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان

منعقد شود و دعوت اعضاء نیز برای انعقاد مجمع موافق اساسنامه به عمل آمده باشد

دعوی بطلان از تاریخ دعوت مجمع در محکمه پذیرفته نخواهد شد مگر اینکه مجمع مزبور

موجبات بطلان را رفع ننماید.

ماده 87 - هر گاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان

و خسارت نشده باشد دیگر دعوی مذکور پذیرفته نخواهد شد.

ماده 88 - استرداد منافعی که بین شرکاء تقسیم شده ممکن نیست مگر اینکه تقسیم بدون

ترتیب صورت دارایی یا مخالف نتیجه حاصل از صورت مزبور به عمل آمده باشد در این

صورت نیز فقط تا پنج سال اقامه دعوی استرداد می توان نمود. مبدأ مرور زمان روز

تقسیم منافع است.

مقررات جزایی

ماده 89 - هر کس سهام یا قطعات سهام شرکتی را که در مورد آن یکی از مواد 28 - 29

- 36 - 37 - 38 - 39 - 44 و 50 این قانون رعایت نشده صادر نماید به پانصد الی ده

هزار ریال جزای نقدی علاوه بر خسارات وارده به شرکت یا افراد محکوم خواهد شد. در

مواردی که عمل مشمول ماده 238 قانون مجازات عمومی است مرتکب به مجازات مقرر در آن

ماده نیز محکوم می شود.

ماده 90 - حکم فوق درباره اشخاصی نیز مقرر است که برخلاف واقع خود را صاحب سهام

یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رأی شرکت نمایند

و یا سهامی را برای اینکه به طور تقلب استعمال شود به دیگری بدهند. در مورد این ماده علاوه بر جزای نقدی متخلف را می توان به یک تا شش ماه حبس تأدیبی نیز محکوم نمود.

ماده 91 - هر کس سهام یا قطعات سهامی را که در مورد آنها مقررات یکی از مواد 28 - 29 - 38 و 39 رعایت نشده با علم به عدم رعایت قانون معامله کرده یا شرکت در معامله داشته و یا قیمت آنها را اعلان نموده باشد به پانصد الی ده هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

مقررات این ماده مانع نخواهد بود که اگر عمل مشمول ماده 238 قانون مجازات عمومی باشد مرتکب به مجازات حبس مذکور در آن ماده نیز محکوم شود.

ماده 92 - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند:

- 1 - هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد ابتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید اعم از اینکه عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد.
- 2 - هر کس به طور تقلب برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام اسم اشخاصی را برخلاف واقع به عنوانی از عناوین جزء شرکت قلمداد نماید.
- 3 - مدیرهایی که با نبودن صورت دارایی یا به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.
- 9 - در انحلال شرکت

ماده 93 - شرکت سهامی در موارد ذیل منحل می شود:

1 - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

2 - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

3 - در صورتی که شرکت ورشکست شود.

4 - در صورت تصمیم مجمع عمومی.

مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

ماده 94 - شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.

ماده 95 - در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.

ماده 96 - شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده 97 - در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است.

ماده 98 - شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

ماده 99 - مرور زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است.

ماده 100 - هر شرکت با مسئولیت محدود که برخلاف مواد 96 و 97 تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاء در مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند.

ماده 101 - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب بطلان است.

ماده 102 - سهم الشرکه شرکاء نمی تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

ماده 103 - انتقال سهم الشرکه به عمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.

ماده 104 - شرکت با مسئولیت محدود به وسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد.

ماده 105 - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قرارداد راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده 106 - تصمیمات راجعه به شرکت باید به اکثریت لاقل نصف سرمایه اتخاذ شود -

اگر در دفعه اولی این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد.

ماده 107 - هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر اینکه اساسنامه به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 108 - روابط بین شرکاء تابع اساسنامه است - اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکاء به عمل خواهد آمد.

ماده 109 - هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظار بوده و هیأت مزبور لاقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد.

هیأت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد 96 و 97 رعایت شده است.

هیأت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید مقررات مواد 165 - 167 - 168 و 170 در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده 110 - شرکاء نمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آراء.

ماده 111 - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لاقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند به عمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده 112 - در هیچ مورد اکثریت شرکاء نمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد

سهم الشرکه خود کند.

ماده 113 - مفاد ماده 78 این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکتهای با

مسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده 114 - شرکت با مسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود:

الف) در مورد فقرات 1 - 2 - 3 ماده 93.

ب) در صورت تصمیم عده از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج) در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء

تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی

را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د) در مورد فوت یکی از شرکاء اگر به موجب اساسنامه پیش بینی شده باشد.

ماده 115 - اشخاص ذیل کلاهدار محسوب می شوند:

الف) مؤسسين و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و

تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند

اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که به وسیله متقلبانه سهم الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم

کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن صورت دارایی یا با استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی

را بین شرکاء تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی

ماده 116 - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو

یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می شود: اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض

کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث

کان لم یکن خواهد بود.

ماده 117 - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر

شرکاء ذکر شود.

در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا

شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود.

ماده 118 - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و

سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده 119 - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم می شود مگر

آنکه شرکتنامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده 120 - در شرکت تضامنی شرکاء باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج به

سمت مدیری معین نمایند.

ماده 121 - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده 51 مقرر

شده.

ماده 122 - در شرکتهای تضامنی اگر سهم الشرکه یک یا چند نفر غیر نقدی باشد باید

سهم الشرکه مزبور قبلاً به تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده 123 - در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل

کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده 124 - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی تواند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده 125 - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.

هر قراری که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده 126 - هر گاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده 127 - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده 128 - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده 129 - طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب دانین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده 130 - نه مدیون شرکت می تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شرکت حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده 131 - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران

شخصی یکی از شرکاء به موجب ماده 129 انحلال شرکت را تقاضا کرده سایر شرکاء می توانند سهمی آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده 132 - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه کم شود مادام که این کمبود جبران نشده تأدیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.

ماده 133 - جز در مورد فوق هیچ یک از شرکاء را شرکت نمی تواند به تکمیل سرمایه که به علت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکتنامه مقرر شده است به شرکت سرمایه دهد.

ماده 134 - هیچ شریکی نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء (به حساب شخصی خود یا به حساب شخص ثالث) تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و یا به عنوان شریک ضامن یا شریک با مسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده 135 - هر شرکت تضامنی می تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده 136 - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می شود:

الف) در مورد فقرات 1 - 2 - 3 ماده 93.

ب) در صورت تراضی تمام شرکاء:

ج) در صورتی که یکی از شرکاء به دلالتی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد.

د) در صورت فسخ یکی از شرکاء مطابق ماده 137.

ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء مطابق ماده 138.

و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء مطابق مواد 139 و 140.

تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلائل انحلال منحصرأً مربوط به شریک یا شرکاء

معینی باشد محکمه می تواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال حکم اخراج آن شریک

یا شرکای معین را بدهد.

ماده 137 - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده

و ناشی از قصد اصرار نباشد - تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء

اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم

محاسبه سالیانه به عمل می آید.

ماده 138 - در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می گیرد که مدیر

تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت

مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده 139 - در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و

قائم مقام متوفی خواهد بود - اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند

قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع

به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام

نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت

اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهام

نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده 140 - در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیر سهامی

ماده 141 - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم

مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون

انتشار سهام تشکیل می شود.

شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود -

شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه است که در شرکت

گذارده و یا بایستی بگذارد.

در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده 142 - روابط بین شرکاء با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

ماده 143 - هر یک از شرکاء با مسئولیت محدود که اسمش جزء اسم شرکت باشد در مقابل

طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد.

هر قراری که برخلاف این ترتیب بین شرکاء داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث

بی اثر است.

ماده 144 - اداره شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود

اختیارات آنها همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است.

ماده 145 - شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد

نه اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده 146 - اگر شریک با مسئولیت محدود معامله برای شرکت کند - در مورد تعهدات

ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه

تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام می دهد.

ماده 147 - هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می تواند از روی دفاتر اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد.

هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.

ماده 148 - هیچ شریک با مسئولیت محدود نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاء شخص ثالثی را با انتقال تمامی قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند.

ماده 149 - اگر یک یا چند نفر از شرکاء با مسئولیت محدود حق خود را در شرکت بدون اجازه سایرین کلاً یا بعضاً به شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت.

ماده 150 - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.

ماده 151 - شریک ضامن را وقتی می توان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد.

ماده 152 - هر گاه شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپرداخته و یا پس از تأدیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادله آنچه که از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند. اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت.

ماده 153 - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاء ضامن و یا در اثر برداشت قبلی از

سرمایه شرکت شریک با مسئولیت محدود از سهم الشرکه خود که به ثبت رسیده است بکاهد

این تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکت ها منتشر

نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می توانند برای

تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه به عمل آمده است تأدیه

همان سرمایه اولیه شریک با مسئولیت محدود را مطالبه نمایند.

ماده 154 - به شریک با مسئولیت محدود فرع نمی توان داد مگر در صورتی که موجب کسر

سرمایه او در شرکت نشود.

اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شریک با مسئولیت محدود کسر شد مادام که این

کمبود جبران نشده تأدیه هر ربح یا منفعتی به او ممنوع است.

هر گاه وجهی برخلاف حکم فوق تأدیه گردید شریک با مسئولیت محدود تا معادل وجه

دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلان

مرتبی وجهی گرفته باشد.

ماده 155 - هر کس به عنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی

داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او

داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد.

هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده 156 - اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارایی شرکت بین طلبکاران خود

شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند - سهم الشرکه شرکاء با

مسئولیت محدود نیز جزو دارایی شرکت محسوب است.

ماده 157 - اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق

دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در

این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود.

ماده 158 - در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء با مسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران

آن با طلبکاران شریک مزبور متساوی الحقوق خواهند بود.

ماده 159 - مقررات مواد 129 و 130 در شرکت های مختلط غیر سهامی نیز لازم الرعایه

است.

ماده 160 - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و

روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکت های تضامنی است.

ماده 161 - مقررات مواد 136 - 137 - 138 - 139 و 140 در مورد شرکت های مختلط غیر

سهامی نیز جاری است.

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت

نمی شود.

مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی

ماده 162 - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین عده شرکاء سهامی

و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها به صورت سهام یا قطعات سهام

متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او به صورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است

که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها

در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود.

ماده 163 - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده 164 - مدیریت شرکت مختلف سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است.

ماده 165 - در هر یک از شرکت‌های مختلط سهامی هیأت نظاری لااقل مرکب از سه نفر از شرکاء برقرار می شود و این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند انتخاب هیأت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود در هر صورت اولین هیأت نظار برای یک سال انتخاب خواهد شد.

ماده 166 - اولین هیأت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق کرده و

اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد 28 - 29 - 38 - 39 - 41 و 50 این قانون رعایت شده است.

ماده 167 - اعضاء هیأت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات خود می باشند.

ماده 168 - اعضاء هیأت نظار دفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله راپورتی به مجمع عمومی می دهند و هر گاه در تنظیم صورت دارایی بی ترتیبی و خطایی مشاهده نمایند در راپورت مزبور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیشنهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان می کنند.

ماده 169 - هیأت نظار می تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با

موافقت رأی مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده 181 شرکت را منحل کند.

ماده 170 - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیلان و صورت دارایی و راپورت هیأت نظار اطلاع حاضر کند.

ماده 171 - ورشکستگی هیچ یک از شرکاء ضامن موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده 138.

ماده 172 - حکم مواد 124 و 134 در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاء ضامن آن جاری است.

ماده 173 - هر گاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.

ماده 174 - اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شد هر یک از طلبکاران شرکت می تواند به هر یک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نماید مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ یک از شرکاء سهامی ندارند.

ماده 175 - اگر شرکت مختلط ورشکست شد تا قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارایی شرکت ندارند.

ماده 176 - مفاد مواد 28 - 29 - 38 - 39 - 41 و 50 شامل شرکت های مختلط سهامی است.

ماده 177 - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد 28 - 29 - 39 و 50 تشکیل شود باطل است لیکن شرکاء نمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده 178 - هر گاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده 101 رفتار

خواهد شد.

ماده 179 - مفاد مواد 84 - 85 - 86 - 87 این قانون در شرکتهای مختلط نیز باید

رعایت شود.

ماده 180 - مفاد مواد 89 - 90 - 91 و 92 این قانون در مورد شرکت مختلط نیز

لازم الرعايه است.

ماده 181 - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می شود:

الف) در مورد فقرات 1 - 2 - 3 ماده 93.

ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح

شده باشد.

ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاء ضامن.

د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن مشروط بر اینکه انحلال شرکت در این

مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده 72 جاری است.

ماده 182 - هر گاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و

بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل

طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز

جاری است که یکی از شرکاء ضامن به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و

محکمه آن دلائل را موجه ببیند.

مبحث ششم - شرکت نسبی

ماده 183 - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم مخصوصی بین دو یا

چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته.

ماده 184 - در اسم شرکت نسبیه عبارت (شرکت نسبیه) و لااقل اسم یک نفر از شرکاء

باید ذکر شود - در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد بعد از اسم

شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل (و شرکاء) (و برادران) ضروری است.

ماده 185 - دستور ماده 118 - 119 - 120 - 121 - 122 - 123 در مورد شرکت نسبیه نیز

لازم الرعايه است.

ماده 186 - اگر دارایی شرکت نسبیه برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از

شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تأدیه قروض شرکت است.

ماده 187 - مادام که شرکت نسبیه منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل

آید فقط پس از انحلال طلبکاران می توانند با رعایت ماده فوق به فرد فرد شرکاء

مراجعه کنند.

ماده 188 - هر کس به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبیه موجودی داخل شود به نسبت

سرمایه که در شرکت می گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او

داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد.

قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده 189 - مفاد ماده 126 (جز مسئولیت شرکاء که به نسبت سرمایه آنها است) و مواد

127 تا 136 در شرکت های نسبیه نیز جاری است.

مبحث هفتم

شرکت های تعاونی تولید و مصرف

ماده 190 - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده از ارباب حرف تشکیل می شود و

شرکاء مشاغل خود را برای تولید و فروش اشیاء یا اجناس به کار می برند.

ماده 191 - اگر در شرکت تولید یک عده از شرکاء در خدمت دائمی شرکت نبوده یا از

اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لااقل دو ثلث اعضاء اداره کننده شرکت

باید از شرکایی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است.

ماده 192 - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می شود:

1 - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکاء

ایجاد کرده یا خریده باشند.

2 - تقسیم نفع و ضرر بین شرکاء به نسبت خرید هر یک از آنها.

ماده 193 - شرکت تعاونی اعم از تولید یا مصرف ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا

بر طبق مقررات مخصوصی که با تراضی شرکاء ترتیب داده شده باشد تشکیل بشود ولی در هر

حال مفاد مواد 32 - 33 لازم الرعایه است.

ماده 194 - در صورتی که شرکت تعاونی تولید یا مصرف مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل

شود حداقل سهام یا قطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچ یک از شرکاء نمی توانند در

مجمع عمومی بیش از یک رأی داشته باشد.

فصل دوم

در مقررات راجعه به ثبت شرکتها و نشر شرکتنامه ها

ماده 195 - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون

ثبت شرکتها است.

ماده 196 - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رساندن شرکت لازم است در نظامنامه

وزارت عدلیه معین می شود.

ماده 197 - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکتنامه و منضمات آن طبق

نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد.

ماده 198 - اگر به علت عدم رعایت دستور دو ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده

هیچ یک از شرکاء نمی توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله

کرده اند عذر قرار دهند.

ماده 199 - هر گاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد 195 و 197

باید به قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام

گردد.

ماده 200 - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت

زائد بر مدت مقرر یا انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت

شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریغ حساب یا تبدیل شرکاء یا خروج بعضی از آنها

از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد 195 و 197 لازم الرعایه است.

همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده 79 این قانون

اتخاذ می شود رعایت خواهد شد.

ماده 201 - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که به طور

خطی یا چاپی از طرف شرکت های مذکور در این قانون به استثنای شرکت های تعاونی صادر

می شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که

پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود - شرکت متخلف به جزای نقدی از دویست تا سه

هزار ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - شرکت های خارجی نیز که به وسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت

دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود.

فصل سوم

در تصفیه امور شرکتها

ماده 202 - تصفیه امور شرکتها پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.

ماده 203 - در شرکت های تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه با مدیر یا مدیران شرکت است مگر آن که شرکاء ضامن اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند.

ماده 204 - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاء ضامن آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد.

ماده 205 - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد.

ماده 206 - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکاء غیر ضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امر تصفیه معین نمایند.

ماده 207 - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن به کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارایی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد 208 - 209 - 210 - 211 و 212.

ماده 208 - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه

انجام خواهند داد.

ماده 209 - متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند.

ماده 210 - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاء ضامن به او اجازه داده باشند - مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قاعده مستثنی است.

ماده 211 - آن قسمت از دارایی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست به طور موقت بین شرکاء تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تأدیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکاء مورد اختلاف است موضوع نمایند.

ماده 212 - متصدیان تصفیه حساب شرکاء را نسبت به هم و سهم هر یک از شرکاء را از نفع و ضرر معین می کنند - رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می شود.

ماده 213 - در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه به عهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

ماده 214 - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده 207 مقرر شده با این تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتها (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد.

ماده 215 - تقسیم دارایی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکاء خواه در ضمن مدت

تصفیه و خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آن که قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یک سال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد.

ماده 216 - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه را مسئول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده اند.

ماده 217 - دفاتر هر شرکتی که منحل شده با نظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تا ده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده 218 - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر دارد

ولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد 207 - 208 - 209 - 210 - 215 - 216 - 217 و قسمت اخیر ماده 211 باشد.

فصل چهارم - مقررات مختلفه

ماده 219 - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکاء یا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکاء یا وراث آنها را مسئول قرار داده) پنج سال است.

مبدأ مرور زمان روزی است که انحلال شرکت یا کناره گیری شریک یا اخراج او از شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.

در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تبصره - دعوایی که سنخاً تابع مرور زمان کوتاه تری بوده یا به موجب این قانون مرور زمان طولانی تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده 220 - هر شرکت ایرانی که فعلاً وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود و با اشتغال

به امور تجارتي خود را به صورت يکي از شرکتهای مذکور در اين قانون در نياورده و مطابق مقررات مربوطه به آن شرکت عمل نمايد شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرا می گردد.

هر شرکت تجارتي ایرانی مذکور در اين قانون و هر شرکت خارجي که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه 1310 مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دویست تا دو هزار ریال خواهد شد - اين مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده. ماده 221 - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها به طریق قرعه باید تأديه شود و قبل از تأديه قیمت آن سهام یا اوراق منافع که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تأديه اصل قیمت نمی تواند منافع تأديه شده را استرداد نماید.

ماده 222 - هر شرکت تجارتي می تواند در اساسنامه خود قيد کند که سرمایه اوليه خود را به وسیله تأديه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد.

در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اوليه را تقلیل داد صراحتاً معین می شود.

کمتر از عشر سرمایه اوليه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

باب چهارم

برات - فته طالب - چک

فصل اول - برات

مبحث اول - صورت برات

ماده 223 - برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

(1) قید کلمه (برات) در روی ورقه.

(2) تاریخ تحریر (روز و ماه و سال).

(3) اسم شخصی که باید برات را تأدیه کند.

(4) تعیین مبلغ برات.

(5) تاریخ تأدیه وجه برات.

(6) مکان تأدیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر.

(7) اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.

(8) تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

ماده 224 - برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود

برات دهنده.

ماده 225 - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود.

اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ

کمتر منوط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف

باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده 226 - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات 2 - 3 - 4 -

5 - 6 - 7 و 8 [m] ماده 223 نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجارتي نخواهد بود.

ماده 227 - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم - در قبول و نکول

ماده 228 - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می شود.

در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد

- اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رؤیت حساب می شود.

ماده 229 - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضاء یا مهر کند قبولی محسوب

است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد.

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده

محسوب است.

در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضاء یا مهر نماید برات

قبول شده محسوب می شود.

ماده 230 - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تأدیه نماید.

ماده 231 - قبول کننده حق نکول ندارد.

ماده 232 - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده

برات باید برای بقیه اعتراض نماید.

ماده 233 - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی

معهدا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است.

ماده 234 - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تأدیه

شود تصریح به مکان تأدیه ضروری است.

ماده 235 - برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف 24 ساعت از تاریخ ارائه قبول

یا نکول شود.

ماده 236 - نکول برات باید به موجب تصدیقنامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد -

تصدیقنامه مزبور موسم است به اعتراض (پروتست) نکول.

ماده 237 - پس از اعتراض نکول ظهنویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید

ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج

اعتراضنامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.

ماده 238 - اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض

عدم تأدیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن

نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا

پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند.

مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث

ماده 239 - هر گاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می تواند آن را

به برات دهنده یا یکی از ظهنویسها قبول کند - قبولی شخص ثالث باید در اعتراضنامه

قید شده به امضاء او برسد.

ماده 240 - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تأدیه نشده کلیه حقوقی که برای

دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهنویس ها حاصل می شود محفوظ خواهد

بود.

مبحث چهارم - در وعده برات

ماده 241 - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند

ماه از رویت برات یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات - ممکن

است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد.

ماده 242 - هر گاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود.

ماده 243 - موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رؤیت وعده

دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراضنامه نکول معین می شود.

ماده 244 - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد تعطیل

تأدیه شود.

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد.

مبحث پنجم - ظهرنویسی

ماده 245 - انتقال برات به وسیله ظهرنویسی به عمل می آید.

ماده 246 - ظهرنویسی باید به امضاء ظهرنویس برسد - ممکن است در ظهرنویسی تاریخ و

اسم کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد.

ماده 247 - ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویسی وکالت در وصول

را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول

و لدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه دعوی برای وصول خواهد داشت. جز در مواردی که

خلاف این در برات تصریح شده باشد.

ماده 248 - هر گاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند مزور شناخته می شود.

مبحث ششم - مسئولیت

ماده 249 - برات دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده

برات مسئولیت تضامنی دارند.

دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می تواند به هر کدام از آنها که بخواهد

منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید.

همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولیت برات نیست - اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند.

ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

ماده 250 - هر یک از مسئولین تأدیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند.

ماده 251 - هر گاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید - مدیر تصفیه هیچ یک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارایی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهد تا میزان وجهی که هر کدام پرداخته اند - جزء دارایی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته ها حق رجوع دارند.

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود.

مبحث هفتم - در پرداخت

ماده 252 - پرداخت برات به انواع پولی که در آن معین شده به عمل می آید.

ماده 253 - اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده

است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا

امتناع از قبول یا عدم تأدیه اعتراض شود دارنده برات می تواند از دهنده برات یا

انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی

از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.

ماده 254 - برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود.

ماده 255 - روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی

که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.

ماده 256 - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت

به وجه برات حقی دارند مسئول است.

ماده 257 - اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به

ظهنویسهای ماقبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع

نخواهد داشت.

ماده 258 - شخصی که در سر وعده وجه برات را می پردازد بری الذمه محسوب می شود مگر

آنکه وجه برات قانوناً در نزد او توقیف شده باشد.

ماده 259 - پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ به

عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه به موجب این

نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است.

ماده 260 - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه بپردازد که در روی آن قبولی نوشته

نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است.

ماده 261 - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند.

ماده 262 - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط به موجب امر محکمه پس از دادن ضامن به عمل می آید.

ماده 263 - اگر شخصی که برات را گم کرده - اعم از اینکه قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند.

ماده 264 - اگر با وجود تقاضایی که در مورد مواد 261 - 262 و 263 به عمل آمده است از تأدیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد.

ماده 265 - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف 24 ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در مواعد و به ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به برات دهنده و ظهرنویسها ابلاغ گردد.

ماده 266 - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهرنویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید - ظهرنویس مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهرنویس ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهرنویس باید اختیار رجوع به ظهرنویس ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد - مخارج این اقدامات بر عهده صاحب برات مفقود خواهد بود.

ظهرنویس در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تأدیه وجه برات و خساراتی است که بر

صاحب برات مفقود وارد شده است.

ماده 267 - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد 262 و 263) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمان سه سال است و هر گاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود.

ماده 268 - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات دهنده و ظهرنویسها بری می شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند.

ماده 269 - محاکم نمی توانند بدون رضایت صاحب برات برای تأدیه وجه برات مهلتی بدهند.

مبحث هشتم - تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث

ماده 270 - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید - دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یا در ذیل آن قید شود.

ماده 271 - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.

ماده 272 - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها به عمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری الذمه اند.

ماده 273 - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او عده زیادتری از

مسئولین را بری الذمه می کند - اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تأدیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات

ماده 274 - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده 275 - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده 276 - اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی تواند از مقررات مربوطه به بروات استفاده کند.

ماده 277 - هر گاه دارنده برات به رؤیت یا به وعده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارجه تأدیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق او ساقط خواهد شد.

ماده 278 - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات دهنده و

ظهرنویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده 279 - دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده 280 - امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله

نوشته که اعتراض عدم تأدیه نامیده می شود معلوم گردد.

ماده 281 - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن به عمل خواهد آمد.

ماده 282 - نه فوت محال علیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از

اعتراض عدم تأدیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده 283 - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای

دارنده برات باقی است.

ماده 284 - دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز

از تاریخ اعتراض عدم تأدیه را به وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دو قبضه

به کسی که برات را به او واگذار نموده اطلاع دهد.

ماده 285 - هر یک از ظهرنویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت

اطلاع نامه فوق آن را به همان وسیله به ظهرنویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده 286 - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت

اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده 249 برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف

سه ماه از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید.

تبصره - هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا

پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده 287 - در مورد برواتی که باید در خارجه تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه

برات دهنده و یا ظهرنویس های مقیم ایران در ظرف شش ماه از تاریخ اعتراض باید به

عمل آید.

ماده 288 - هر یک از ظهرنویسها بخواهد از حقی که در ماده 249 به او داده شده استفاده نماید باید در مواعدی که به موجب مواد 286 و 287 مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه نماید از فردای روز تأدیه محسوب خواهد شد.

ماده 289 - پس از انقضاء مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهرنویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسها بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده 290 - پس از انقضاء مواعد فوق دعوی دارنده و ظهرنویسهای برات بر علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت.

ماده 291 - اگر پس از انقضاء موعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراضنامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات دهنده یا هر یک از ظهرنویسها به طریق محاسبه یا عنوان دیگر وجهی را که برای تأدیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد دارد دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید.

ماده 292 - پس از اقامه دعوی محکمه مکلف است به مجرد تقاضای دارنده براتی که به علت عدم تأدیه اعتراض شده است معادل وجه برات را از اموال مدعی علیه به عنوان تأمین توقیف نماید.

مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)

ماده 293 - اعتراض در موارد ذیل به عمل می آید:

(1) در مورد نکول.

(2) در مورد امتناع از قبول یا نکول.

(3) در مورد عدم تأدیه.

اعتراضنامه باید در یک نسخه تنظیم و به موجب امر محکمه بدایت به توسط مأمور اجراء

به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود:

(1) محال علیه.

(2) اشخاصی که در برات برای تأدیه وجه عندالافتضاء معین شده اند.

(3) شخص ثالثی که برات را قبول کرده است.

اگر در محلی که اعتراض به عمل می آید محکمه بدایت نباشد وظایف او با رعایت ترتیب

به عهده امین صلح یا رییس ثبت اسناد یا حاکم محل خواهد بود.

ماده 294 - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد:

(1) سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهرو نویسی و غیره.

(2) امر به تأدیه وجه برات.

مأمور اجرا باید حضور یا غیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از

تأدیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضاء یا امتناع از امضاء را در ذیل

اعتراضنامه قید و امضاء کند.

ماده 295 - هیچ نوشته نمی تواند از طرف دارنده برات جایگیر اعتراضنامه شود مگر در

موارد مندرجه در مواد 261 - 262 و 263 راجع به مفقود شدن برات.

ماده 296 - مأمور اجرا باید سواد صحیح اعتراضنامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده 293 بدهد.

ماده 297 - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می دهند باید مفاد اعتراضنامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رییس محکمه یا قائم مقام او نمره و امضاء شده است ثبت نمایند - در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهنویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنها را توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تأدیه مستحضر سازد.

مبحث یازدهم - برات رجوعی

ماده 298 - برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهنویسها صادر می کند.

ماده 299 - اگر برات رجوعی به عهده برات دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن به عهده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهنویسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آنجا معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برای رجوعی در آنجا صادر شده است برآید.

ماده 300 - به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود - در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می گردد:

(1) اسم شخصی که برات رجوعی به عهده او صادر شده است.

(2) مبلغ اصلی برات اعتراض شده.

3) مخارج اعتراضنامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره.

4) مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (299).

ماده 301 - صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود به علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراضنامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد.

ماده 302 - هر گاه برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد 300 و 301 باید تصدیقنامه که تفاوت بین نرخ مکان تأدیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود.

ماده 303 - نسبت به یک برات صورت حساب بازگشت متعدد نمی توان ترتیب داد و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهرنویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالیاً به توسط ظهرنویسها پرداخته می شود تا به برات دهنده اولی برسد.

تحمیلات براتهای رجوعی را نمی توان تماماً بر یک نفر وارد ساخت - هر یک از ظهرنویسها و برات دهنده اولی فقط عهده دار یک خرج است.

ماده 304 - خسارت تأخیر تأدیه مبلغ اصلی برات که به واسطه عدم تأدیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تأخیر تأدیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می شود.

مبحث دوازدهم - قوانین خارجی

ماده 305 - در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است.

هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهرنویسی - ضمانت - قبولی و غیره)

نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است.

معدالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق

قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این

ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست.

ماده 306 - اعتراض و به طور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و

استفاده از آن در خارجه باید به عمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود.

فصل دوم - در فته طلب

ماده 307 - فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می کند مبلغی در موعد

معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

ماده 308 - فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

(1) مبلغی که باید تأدیه شود با تمام حروف.

(2) گیرنده وجه.

(3) تاریخ پرداخت.

ماده 309 - تمام مقررات راجع به بروات تجارتي (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول

این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است.

فصل سوم - چک

ماده 310 - چک نوشته ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد

محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید.

ماده 311 - در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد -

پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

ماده 312 - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد - ممکن است

به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود.

ماده 313 - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

ماده 314 - صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجاری محسوب

نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهنویسها و اعتراض و اقامه دعوی

ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود.

ماده 315 - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد دارنده چک باید

در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه

دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود.

اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند

دیگر دعوی او بر علیه ظهنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به

محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع

نیست.

ماده 316 - کسی که وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید

اگر چه چک در وجه حامل باشد.

ماده 317 - مقررات راجعه به چکهایی که در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد - لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است.

فصل چهارم - در مرور زمان

ماده 318 - دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجارتی صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در این صورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضاء مهلت اعتراض شروع می شود.

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلبهایی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و 12 فروردین و 12 خرداد 1304 صادر شده است قابل اجرا نبوده و این اسناد از حیث مرور زمان تابع مقررات مربوط به مرور زمان راجع به اموال منقول است.

ماده 319 - اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یا فته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید.

تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یا فته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد.

باب پنجم - اسناد در وجه حامل

- ماده 320 - دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه وجه آن محق محسوب می شود مگر در صورت ثبوت خلاف. معذک اگر مقامات صلاحیتدار قضایی یا پلیس تأدیه وجه آن سند را منع کند تأدیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکن است سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد.
- ماده 321 - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تأدیه نیست مگر در مقابل اخذ سند.
- ماده 322 - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه های کوپن یا دارای ضمیمه برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سند به دارنده آن حق می دهد ربح یا منفعتی را مرتباً دریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق ذیل عمل خواهد شد.
- ماده 323 - مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است.
- اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافی است.
- ماده 324 - اگر محکمه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید به وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار کند - هر گاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند را ابراز ننمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد - محکمه می تواند لدی الاقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین کند.
- ماده 325 - به تقاضای مدعی محکمه می تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به

کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تأمینی که محکمه تصویب نماید.

ماده 326 - در مورد گم شدن اوراق کوپن نسبت به کوپنهایی که در ضمن جریان دعوی

لازم التأدیه می شود به ترتیب مقرر در مواد 332 و 333 عمل خواهد شد.

ماده 327 - اخطار مذکور در ماده 324 باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود محکمه

می تواند به علاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد.

ماده 328 - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی

داده و اخطار خواهد کرد که هر گاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود

را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابرازکننده آن مسترد خواهد گردید.

ماده 329 - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده 324 مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد

محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود.

ماده 330 - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه

مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید.

ماده 331 - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند به خرج او سند جدید یا

لدی الاقتضاء اوراق کوپن تازه به او بدهند. اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای

تأدیه خواهد داشت.

ماده 332 - هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده (322) نباشد به ترتیب ذیل

رفتار خواهد شد:

محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم

می دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضای اجل - در صورت

مؤجل بودن - به صندوق عدلیه بسپارد.

ماده 333 - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل

مطالبه نیست سند ابراز شده مطابق ماده 328 رفتار و الا وجهی که در صندوق عدلیه

امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود.

ماده 334 - مقررات این باب شامل اسکناس نیست.

باب ششم - دلالی

فصل اول - کلیات

ماده 335 - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی

که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع

مقررات راجع به وکالت است.

ماده 336 - دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

ماده 337 - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات

راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال

در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می باشد.

ماده 338 - دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و

یا آنکه تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته

باشد.

ماده 339 - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده

مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او

نبوده است.

ماده 340 - در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را

تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده 341 - دلال می تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.

ماده 342 - هر گاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاها راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است.

ماده 343 - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست.

ماده 344 - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده 345 - هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده 346 - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهمی باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و به علاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده 347 - در صورتی که دلال در معامله سهمی باشد با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم - اجرت دلال و مخارج

ماده 348 - دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به

راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده 349 - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع

طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت

و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود به علاوه

محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

ماده 350 - هر گاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق

اجرت خواهد بود.

ماده 351 - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق

اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است

که عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.

ماده 352 - در صورتی که معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از خيارات قانونی

فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به

دلال نباشد.

ماده 353 - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

ماده 354 - حق الزحمه دلال به عهده طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده

مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

ماده 355 - حق الزحمه دلال به واسطه قرارداد مخصوصی باید معین شده باشد و الا

محکمه با رجوع به اهل خبره و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق الزحمه

را معین خواهد کرد.

فصل سوم - دفتر

ماده 356 - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملات را که به دلالی او انجام

گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

(1) اسم متعاملین.

(2) مالی که موضوع معامله است.

(3) نوع معامله.

(4) شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا به وعده است.

(5) عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا به وعده است وجه نقد

است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رؤیت است یا به وعده.

(6) امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه.

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجاری است.

باب هفتم

حق العمل کاری (کمیسیون)

ماده 357 - حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر)

معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

ماده 358 - جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه به وکالت

در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

ماده 359 - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً

در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.

ماده 360 - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

ماده 361 - اگر مال التجاره که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) به وسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه به عمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده 362 - اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العمومی محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.

ماده 363 - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده به فروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده 364 - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده 365 - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

ماده 366 - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی

دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتي محل باشد حق العمل کار مأذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده 367 - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده 368 - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود.

حق العمل کار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد.

ماده 369 - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد.

نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.

ماده 370 - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود - به علاوه در دو صورت اخیر آمر می تواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست.

ماده 371 - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به

اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده - حق حبس خواهد داشت.

ماده 372 - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و

مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند

آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او به طریق مزایده به فروش

برساند.

اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا

نماینده او به عمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطار به رسمی ارسال

گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده 373 - اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي

و یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواند چیزی را که

مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که

مأمور به فروش آن بوده شخصاً به عنوان خریدار نگاه دارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی

داده باشد.

ماده 374 - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ

بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم

حق العمل و هم مخارج عادیه حق العمل کار را برداشت کند.

ماده 375 - در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع

شود اگر معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب

خواهد شد.

ماده 376 - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام

معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.

باب هشتم - قرارداد حمل و نقل

ماده 377 - متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده

می گیرد.

ماده 378 - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً

استثناء شده باشد.

ماده 379 - ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند: آدرس

صحیح مرسل الیه - محل تسلیم مال - عده عدل یا بسته و طرز عدل بندی - وزن و محتوی

عدل ها - مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود - راهی که حمل باید از آن راه به

عمل آید - قیمت اشیایی که گرانها است.

خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط متوجه ارسال کننده

خواهد بود.

ماده 380 - ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره به طرز مناسبی عدل بندی

شود - خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی به عهده ارسال کننده است.

ماده 381 - اگر عدل بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم

مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده 382 - ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است

آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.

ماده 383 - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده 382

استفاده کند:

1 - در صورتی که بارنامه توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به

مرسل الیه تسلیم شده باشد.

2 - در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند

آن را پس دهد.

3 - در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به

مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.

4 - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده

باشد.

در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند معذالک اگر

متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده

مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده

باشد.

ماده 384 - اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات

متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تأدیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد

متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را

موقتاً نزد خود به طور امانت نگاهداشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت

مخارج و هر نقص و عین به عهده ارسال کننده خواهد بود.

اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند

متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده 362 آن را به فروش برساند.

ماده 385 - اگر مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می توان برای

آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو ننماید متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را به فروش رساند.

حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره به فروش خواهد رسید مسبوق نمود.

ماده 386 - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده و یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیاده از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.

ماده 387 - در مورد خسارات ناشیه از تأخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمی تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده 388 - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد - بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است.

ماده 389 - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید.

ماده 390 - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده 391 - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تأدیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده به علاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی به مال التجاره ممکن بود به عمل آید و یا بایستی به عمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده 392 - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی الاقتضاء فروخته شود در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده به عمل آید.

به وسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعا می شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده 393 - نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است - مبدأ این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تأخیر در تسلیم روزی است

که تسلیم بایستی در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده.

ماده 394 - حمل و نقل به وسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم - قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي

ماده 395 - قائم مقام تجارتي کسی است که رييس تجارتخانه او را برای انجام کليه

امور مربوطه به تجارتخانه يا یکی از شعب آن نايب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است.

سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود يا عملاً.

ماده 396 - تحديد اختيارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.

ماده 397 - قائم مقام تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قيد اینکه تا تمام امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قيد اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قيد مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده 398 - قائم مقام تجارتي بدون اذن رييس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کليه کارهای تجارتخانه نايب خود قرار دهد.

ماده 399 - عزل قائم مقام تجارتي که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدليه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود.

ماده 400 - با فوت يا حجر رييس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست با انحلال

شرکت قائم مقام تجارتی منعزل است.

ماده 401 - وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارتخانه یا شعبه تجارتخانه

سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است.

باب دهم - ضمانت

ماده 402 - ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدواً به مدیون اصلی

رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن

قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده 403 - در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت

تضامنی باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع

به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید

ماده 404 - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون

متضامناً مسئول انجام تعهدی باشند.

ماده 405 - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به

واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.

ماده 406 - ضامن حال از قاعده فوق مستثنی است.

ماده 407 - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به

ضامن نیز باید به عمل آید.

ماده 408 - همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شده ضامن نیز بری می شود.

ماده 409 - همین که دین حال شد ضامن می تواند مضمون له را به دریافت طلب یا

انصراف از ضامن ملزم کند ولو ضامن مؤجل باشد.

ماده 410 - استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه - اگر دین

با وثیقه بوده - ضامن را فوراً و به خودی خود بری خواهد ساخت.

ماده 411 - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و

مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین

اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید - اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول

داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم

است.

باب یازدهم - در ورشکستگی

فصل اول - در کلیات

ماده 412 - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که بر

عهده او است حاصل می شود.

حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقیف بوده تا یک سال بعد از مرگ او

نیز می توان صادر نمود.

فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن

ماده 413 - تاجر باید در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تأدیه قروض یا سایر

تعهدات نقدی او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار

نموده صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبوره تسلیم

نماید.

ماده 414 - صورتحساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضاء تاجر رسیده و

متضمن مراتب ذیل باشد:

1) تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف به طور مشروح.

2) صورت کلیه قروض و مطالبات.

3) صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی.

در صورت توقف شرکتهای تضامنی - مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود.

ماده 415 - ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود:

الف) بر حسب اظهار خود تاجر.

ب) به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها.

ج) بر حسب تقاضای مدعی العموم بدایت.

ماده 416 - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم

معین نشد تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است.

ماده 417 - حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می شود.

ماده 418 - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه

که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق

مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام

قانونی ورشکسته بوده و حق دارد به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند.

ماده 419 - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول یا

غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا به طرفیت او تعقیب کند - کلیه

اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.

ماده 420 - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند ورود تاجر ورشکسته را به عنوان شخص

ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد.

ماده 421 - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود.

ماده 422 - هر گاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه فته طلب یا برات می باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

ماده 423 - هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلااثر خواهد بود:

1) هر صلح محاباتی یا هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

2) تأدیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

3) هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.

ماده 424 - هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود.

ماده 425 - هر گاه محکمه به موجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید

محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عیناً به

مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارایی تاجر به حرما

تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد

داد.

ماده 426 - اگر در محکمه ثابت شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده

است آن معامله خود به خود باطل - عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و

طرف معامله اگر طلبکار شود جزو حرما حصه خواهد بود.

فصل سوم - در تعیین عضو ناظر

ماده 427 - در حکمی که به موجب آن ورشکستگی تاجر اعلان می شود محکمه یک نفر را به

سمت عضو ناظر معین خواهد کرد.

ماده 428 - عضو ناظر مکلف است به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت

جریان آن است.

ماده 429 - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی را که حل آن از صلاحیت محکمه است عضو

ناظر به محکمه راپرت خواهد داد.

ماده 430 - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین

نموده.

ماده 431 - مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر را معین کرده.

ماده 432 - محکمه همیشه می تواند عضو ناظر با تبدیل و دیگری را به جای او بگمارد.

فصل چهارم - در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته

ماده 433 - محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم را نیز می دهد.

ماده 434 - مهر و موم باید فوراً توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به

عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

ماده 435 - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده 413 - 414 عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد.

ماده 436 - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد به

واسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند.

ماده 437 - در صورتی که تاجر مقروض فرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارایی خود را

مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً

اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد.

ماده 438 - انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و

اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر باید مهر موم شود.

ماده 439 - در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی - مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکاء

ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی

شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد.

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است.

فصل پنجم - در مدیر تصفیه

ماده 440 - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتهی در ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک

نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند.

ماده 441 - اقدامات مدیر تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی

که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و به طور کلی وظایف مدیر تصفیه

علاوه بر آن قسمتی که به موجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه که از طرف وزارت

عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد.

ماده 442 - میزان حق الزحمه مدیر تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین

خواهد کرد.

فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه

مبحث اول - در کلیات

ماده 443 - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور

تقاضای انجام آن را خواهد نمود.

ماده 444 - عضو ناظر به تقاضای مدیر تصفیه به او اجازه می دهد که اشیاء ذیل را از

مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید:

1 - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم

است.

2 - اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید.

3 - اشیایی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است

در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد.

اشیاء مذکور در فقره ثانی و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود.

ماده 445 - فروش اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و

اشیایی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیر تصفیه به عمل می آید.

ماده 446 - دفتردار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آن که ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیر تصفیه تسلیم می نماید.

دفتردار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را به طور خلاصه قید کند - اوراق تجاری هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه به عمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیر تصفیه تحویل می شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیر تصفیه گرفته می شود به عضو ناظر تسلیم می گردد - سایر مطالبات را مدیر تصفیه در مقابل قبضی که می دهد وصول می نماید مراسلاتی که به اسم تاجر ورشکسته می رسد به مدیر تصفیه تسلیم و به توسط او باز می شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می تواند شرکت کند.

ماده 447 - تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارایی خود درخواست کند- در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می نماید.

ماده 448 - مدیر تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او منتها چهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشد با حضور عضو ناظر اقدام به عمل خواهد آمد - تاجر ورشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد.

ماده 449 - در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم ننموده باشد مدیر

تصفیه آن را فوراً به وسیله دفاتر و اسناد مشارالیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل

می نماید تنظیم می کند.

ماده 450 - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارایی و نسبت به اوضاع و

احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگردها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر

توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت دارایی

ماده 451 - مدیر تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارایی نموده و

تاجر ورشکسته را هم در این موقع احضار می کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست.

ماده 452 - مدیر تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می شود صورت دارایی را در دو نسخه

تهیه می نماید. یکی از نسخین به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می ماند.

ماده 453 - مدیر تصفیه می تواند برای تهیه صورت دارایی و تقویم اموال از اشخاصی

که لازم بداند استمداد کند صورت اشیایی که موافق ماده 444 در تحت توقیف نیامده ولی

قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارایی خواهد شد.

ماده 454 - مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ مأموریت خود صورت خلاصه

از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که

ظاهراً به نظر می آید ترتیب داده به عضو ناظر بدهد. عضو ناظر صورت مزبور را فوراً به

مدعی العمومی ابتدایی محل تسلیم می نماید.

ماده 455 - صاحب منصبان پارکه می توانند فقط به عنوان نظارت به منزل تاجر ورشکسته

رفته و در حین برداشتن صورت دارایی حضور به هم رسانند. مأمورین پارکه در هر موقع

حق دارند به دفاتر و اسناد و نوشتجات مربوطه به ورشکستگی مراجعه کنند.

این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات

ماده 456 - پس از تهیه شدن صورت دارایی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و

دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (به غیر از مستثنیات دین) و اشیاء تاجر ورشکسته به مدیر

تصفیه تسلیم می شود.

ماده 457 - مدیر تصفیه با نظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و

همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و

مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا

لااقل مشارالیه را برای دادن توضیحات احضار کند - ترتیب فروش به موجب نظامنامه

وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده 458 - نسبت به تمام دعاوی که هیأت طلبکارها در آن ذینفع می باشند مدیر تصفیه

با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی مزبوره راجع به

اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده 459 - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح

لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق

صلحنامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح

اعتراض کند - اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای

جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده 460 - وجوهی که به توسط مدیر تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه

محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج

باز می کند وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق

مدیر تصفیه.

مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه

ماده 461 - مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به مأموریت اقدامات تأمینیه برای حفظ

حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او به عمل آورد.

مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکارها

ماده 462 - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند - در مدتی که به موجب اخطار

مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده - اسناد طلب خود یا سواد مصدق

آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتردار محکمه

تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده 463 - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در

ماده قبل شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین

می گردد - به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد - تعقیب می شود.

ماده 464 - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جزء صورت حساب دارایی منظور شده

می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به هم رسانیده و نسبت به

طلبهایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید - همین حق را

خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

ماده 465 - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و

به علاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا

الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.

ماده 466 - عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده 467 - اگر طلب مسلم و قبول شد مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضاء نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می کند:

" جزو قروض..... مبلغ..... قبول شد به تاریخ....."

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

ماده 468 - اگر طلب متنازع فیه واقع شده عضو ناظر می تواند حل قضیه را به محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپرت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر به عمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده 469 - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهد که انعقاد مجلس هیأت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تأخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود.

ماده 470 - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرار دهد که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می کند موقتاً طلبکار شناخته

شده در مذاکرات هیأت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده 471 - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزایی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تأخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تأخیر مجلس نمود نمی تواند صاحب آن طلب را موقتاً جزو طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده اند طلبکار مزبور نمی تواند به هیچ وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند.

ماده 472 - پس از انقضای مهلت های معین در مواد 462 و 467 به ترتیب قرارداد ارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می شود.

ماده 473 - طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده 462 عمل نکردند نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچ گونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است به عمل آید جزء غرما حساب می شوند بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده 474 - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرفنظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نموده و به موقع اجرا گذارند.

ماده 475 - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارد مشروط بر اینکه بر ضرر طلبکارها نباشد.

فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده 476 - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که به موجب نظامنامه مذکور در

ماده 467 معین شده به توسط دفتردار محکمه کلیه طلبکارهایی را که طلب آنها تشخیص و

تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی دعوت می نماید

- موضوع دعوت مجمع عمومی طلبکارها در رقعہ های دعوت و اعلانات مندرجه در جراید

باید تصریح شود.

ماده 477 - مجمع عمومی مزبور در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده

است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود - طلبکارهایی که طلب آنها تشخیص و تصدیق

شده است و همچنین طلبکارهایی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله

آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می شود مشارالیه باید شخصاً

حاضر گردد و فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به

تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده 478 - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که

به عمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می دهد راپورت مزبور به

امضاء مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات

و تصمیمات مجمع طلبکارها صورت مجلسی ترتیب دهد.

مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی

فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی

ماده 479 - قرارداد ارفاقی تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی شود مگر پس از

اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.

ماده 480 - قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می شود که لااقل نصف به علاوه یک نفر

از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل

ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند و
الا بلا اثر خواهد بود.

ماده 481 - هر گاه در مجلس قرارداد ارفاقی اکثریت طلبکارها عداً حاضر شوند ولی از
حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند
ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس
ثانی برای یک هفته بعد داده می شود.

ماده 482 - طلبکارهایی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و
صورت مجلس را امضاء نموده اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه
بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار
خود باقی است - اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده 480 تکمیل شود
قرارداد ارفاقی قطعی خواهد بود.

ماده 483 - اگر تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب محکم شده باشد قرارداد ارفاقی
منعقد نمی شود - در موقعی که تاجر به عنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می شود لازم است
طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برانت تاجر و انعقاد
قرارداد ارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب
موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان
بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و از حیث مبلغ اکثریت معین در ماده 480
را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد
قرارداد ارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید
معمول گردد.

ماده 484 - اگر تاجر به عنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قرارداد ارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارها می توانند تا حصول نتیجه تعقیب و با رعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قرارداد را تأخیر بیندازند.

ماده 485 - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته اند می توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند - اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که به عمل ورشکستگی رسیدگی می کنند احضار می شوند.

ماده 486 - قرارداد ارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نماید.

محکمه نمی تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید - هر گاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهایی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی به عمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قرارداد ارفاقی حکم واحد صادر کند - اگر اعتراضات تصدیق شود قرارداد نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلا اثر می شود.

ماده 487 - قبل از آن که محکمه در باب تصدیق قرارداد رأی دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.

ماده 488 - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قرارداد ارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقی

ماده 489 - همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضاء نکرده اند می توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به طلبکارها می رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارند در آتیه از دارایی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزبور امضاء نموده اند.

ماده 490 - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگر اینکه پس از تصدیق مکشوف شود که در میزان دارایی یا مقدار قروض حيله به کار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.

ماده 491 - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می شود - مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارایی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضاء نکرده اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می گیرد و پس از آنکه قرار تأدیه سهم طلبکاران مذکور را داد مأموریت مدیر تصفیه ختم می شود - از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلسی تهیه می نماید و مأموریتش خاتمه می یابد - در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم - در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

ماده 492 - در مورد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است:

1 - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب.

2 - در مورد ماده 490.

ماده 493 - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن‌ها

(در صورتی که باشد) به خودی خود ملغی می شود.

ماده 494 - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکرد ممکن است برای

فسخ قرارداد مزبور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده 495 - در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت

کرده باشند طلبکارها می توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از

او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود. در صورت

تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.

ماده 496 - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد به عنوان ورشکستگی به تقلب

تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می تواند هر قسم وسایل تأمینیه را که

مقتضی بداند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه وسایل مزبوره

مرتفع می شود.

ماده 497 - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می کند.

ماده 498 - مدیر تصفیه می تواند دارایی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیر

تصفیه فوراً از روی صورت دارایی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر

لازم باشد متممی برای صورت دارایی ترتیب می دهد مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله

اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یک ماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند - در اعلان مزبور مفاد قرار محکمه که به موجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده 499 - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود - نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید به عمل نمی آید - مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود.

ماده 500 - معاملاتی که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزبور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اصرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده 501 - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارایی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده اند به غرما تقسیم می شود.

ماده 502 - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته اند مأخوذی آنها از وجهی که به ترتیب غرما به آنها می رسد کسر خواهد شد.

ماده 503 - هر گاه تاجری ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزبور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجرا است.

مبحث سوم - در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی

ماده 504 - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده 505 - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده (480) موافقت نماید محکمه مبلغی را

برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده 447 معین خواهد کرد.

ماده 506 - اگر شرکت تضامنی - مختلط یا نسبی ورشکست شود طلبکارها می توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصرأ با یک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند. در صورت ثانی دارایی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غرما تقسیم می شود ولی دارایی شخصی شرکایی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به غرما تقسیم نخواهد شد - شریک یا شرکاء ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی توانند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان - شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت ضمانتی مبری است.

ماده 507 - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا به خود مدیر تصفیه این مأموریت را بدهند.

ماده 508 - در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق را مقرر می دارد باید مدت و حدود وکالت و همچنین میزان وجهی که وکیل می تواند برای مخارج لازمه پیش خود نگاهدارد معین گردد - تصمیم مذکور اتخاذ نمی شود مگر با حضور عضو ناظر و با اکثریت سه ربع از طلبکارها عدداً و مبلغاً - خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (با رعایت ماده 473) می توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند - این اعتراض اجرای تصمیم را به تأخیر نمی اندازد.

ماده 509 - اگر از معاملات وکیل یا عاملی که تجارت ورشکسته را ادامه می دهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارایی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه را داده اند شخصاً علاوه بر حصه که در دارایی مزبور دارند به نسبت طلبشان در

حدود اختیاراتی که داده اند مسئول تعهدات مذکوره می باشند.

ماده 510 - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیر منقول تاجر ورشکسته را به فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را صلح و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته به عمل می آید. اگر تاجر ورشکسته از حضور استتکاف نمود استحضار مدعی العموم کافی است - فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدلیه به عمل خواهد آمد.

ماده 511 - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می نماید. در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد.

ماده 512 - هر گاه اموالی در اجاره تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقاء اجاره به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می کند - اگر تصمیم بر فسخ اجاره شده صاحبان اموال مستأجره از بابت مال الاجاره که تا آن تاریخ مستحق شده اند جزو غرما منظور می شوند اگر تصمیم بر ابقاء اجاره بوده و تأمیناتی هم سابقاً به موجب اجاره نامه به موجر داده شده باشد آن تأمینات ابقاء خواهد شد و الا تأمیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد - در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجاره موجر راضی به فسخ نشود حق مطالبه تأمین را نخواهد داشت.

ماده 513 - مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر اجاره را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه به موجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تأمین پرداخت مال الاجاره را بنماید به مالک اموال مستأجره داده و کلیه شرایط و مقررات اجاره نامه را به موقع

خود اجرا کند.

فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها

مبحث اول

در طلبکارهایی که رهنه منقول دارند

ماده 514 - طلبکارهایی که رهنه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می شوند.

ماده 515 - مدیر تصفیه می تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیء مرهون را از رهن خارج و جزو دارایی تاجر ورشکسته منظور دارد.

ماده 516 - اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید با نظارت مدعی العموم آن را به فروش برساند و مرتهن نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکار باشد مازاد به مدیر تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتهن برای بقیه طلب خود در جزو طلبکارهای عادی در غرما منظور خواهد شد.

ماده 517 - مدیر تصفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه می نمایند به عضو ناظر تقدیم می کند. عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می شود پرداخته گردد در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراض داشته باشند به محکمه رجوع می شود.

مبحث دوم

در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند

ماده 518 - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده قبل از تقسیم دارایی منقول یا در همان حین به عمل آمده باشد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر

منقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبور کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت به

بقیه طلب خود جزو غرما معمولی منظور و از وجوهی که برای غرما مزبور مقرر است حصه

می برند مشروط بر اینکه طلب آنها به طوری که قبلاً مذکور شده است تصدیق شده باشد.

ماده 519 - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده وجهی از

بابت دارایی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و

طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جزو سایر غرما وارد و از

وجوه مزبوره حصه می برند ولی عندالاقضاء مبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال

غیر منقول از طلب آنها موضوع می شود.

ماده 520 - در مورد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند ولی به

واسطه مقدم بودن سایر طلبکارها نمی توانند در حین تقسیم قیمت اموال غیر منقول طلب

خود را تماماً وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود:

اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیر منقول از بابت طلب خود وجهی

دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیر منقول به آنها تعلق

می گیرد موضوع و به حصه که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می گردد و

بقیه طلبکارهایی که در اموال غیر منقول ذیحق بوده اند برای بقیه طلب خود نسبت آن

بقیه جزو غرما محسوب شده حصه می برند.

ماده 521 - اگر به واسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به

اموال غیر منقول حقی دارند وجهی دریافت نکنند طلب آنها جزو غرما محسوب و بدین سمت

هر معامله که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرما می شود با آنها نیز به عمل

خواهد آمد.

فصل نهم

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول

ماده 522 - پس از وضع مخارج اداره امور و ورشکستگی و اعانه که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتاز تادیه گردد مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلاً تشخیص و تصدیق شده است خواهد شد.

ماده 523 - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ماهی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را با تعیین وجوه موجوده به عضو ناظر می دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن را معین و مواظبت می نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود.

ماده 524 - در موقع تقسیم وجه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارایی و قروض منظور شده است موضوع می گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارایی و قروض منظور نشده باشد عضو ناظر می تواند حصه موضوعی را زیاد کند. برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع کرد.

ماده 525 - وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده به طور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد - اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طالب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می گردد.

وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین

طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود.

ماده 526 - هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را قبلاً

ملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می کند عضو ناظر

در صورت عدم امکان ابراز سند می تواند اجازه دهد که به موجب صورت مجلسی که طلب در

آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طلبکارها رسید وجه را در ذیل صورت

تقسیم ذکر کنند.

ماده 527 - ممکن است هیأت طلبکارها با استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه

نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده به

طوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار

دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را به عمل خواهد آورد - در این خصوص

هر طلبکاری می تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را

عودت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.

فصل دهم - در دعوی استرداد

ماده 528 - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجارتي به او داده باشد که وجه آن

را وصول و به حساب صاحب سند نگاهدارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور

وصول یا تأدیه نگشته و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد

صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده 529 - مال التجاره هایی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه

داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره به فروش برساند مادام که عین آنها کلاً

یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور به امانت یا

برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده 530 - مال التجاره هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده 531 - هر گاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و به طور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

ماده 532 - اگر مال التجاره که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است به فروش رسیده و فروش صورتی نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود و الا موافق ماده 529 قابل استرداد است و استردادکننده باید وجوهی را که به طور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تأدیه شده یا از این بابت ها باید تأدیه بشود به طلبکارها بپردازند.

ماده 533 - هر گاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه به خود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کس دیگر که به حساب او بیاورد آن کس می تواند به اندازه که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند.

ماده 534 - در مورد دو ماده قبل مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر

شده است بپردازد.

ماده 535 - مدیر تصفیه می تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده عضو ناظر حکم مقتضی را می دهد.

فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی

ماده 536 - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.

ماده 537 - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه به عمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می شود.

ماده 538 - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد - همین که مهلهای مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

ماده 539 - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است - به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یک روز اضافه می شود.

ماده 540 - قرارهای ذیل قابل اعتراض و استیناف و تمیز نیست:

1) قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه.

(2) قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.

(3) قرارهای فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است.

(4) قرارهایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه

را مقرر می دارد.

(5) قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر

کرده است.

باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب

فصل اول - در ورشکستگی به تقصیر

ماده 541 - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود:

(1) در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه

به عایدی او فوق العاده بوده است.

(2) در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملات کرده

که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است.

(3) اگر به قصد تأخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه

روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسایلی که دور از صرفه است به کار برده تا تحصیل

وجهی نماید اعم از اینکه از راه استقراض یا صدور برات یا به طریق دیگر باشد.

(4) اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را

پرداخته باشد.

ماده 542 - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود:

(1) اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد

که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد.

(2) اگر عملیات تجارتي او متوقف شده و مطابق ماده 413 این قانون رفتار نکرده باشد.

(3) اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و 12 فروردین و 12 خرداد 1304

دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارایی وضعیت حقوقی خود

را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این

موارد مرتکب تقلبی نشده باشد).

ماده 543 - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از 6 ماه تا سه سال حبس

تأدیبی است.

ماده 544 - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا

تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه به عمل می آید.

ماده 545 - در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی العموم به عمل

آمده باشد مخارج آن را به هیچ وجه نمی توان به هیأت طلبکارها تحمیل نمود - در صورت

انعقاد قرارداد ارفاقی مأمورین اجرا نمی توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر

پس از انقضای مدتهای معینه در قرارداد.

ماده 546 - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه به نام طلبکارها می شود در صورت

برانت تاجر به عهده هیأت طلبکارها و در صورتی که محکوم شد به عهده دولت است لیکن

دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید.

ماده 547 - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر ورشکسته را به عنوان ورشکستگی به تقصیر

تعقیب کند یا از طرف هیأت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت

طلبکارهای حاضر.

ماده 548 - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها به عمل می آید در صورت

محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برانت ذمه به عهده تعقیب کننده است.

فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب

ماده 549 - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود

را مخفی کرده و یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر تاجر

ورشکسته که خود را به وسیله اسناد و یا به وسیله صورت دارایی و قروض به طور تقلب

به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب

اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود.

ماده 550 - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد 545 تا

548 لازم الرعایه است.

فصل سوم - در جنحه و جانیاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب

می شوند

ماده 551 - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات

ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد:

(1) اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی منقول یا غیر

منقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند.

(2) اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد

کرده و مطابق ماده 467 التزام داده باشند.

ماده 552 - اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه

در ماده 549 را مرتکب شده اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم

می باشند.

ماده 553 - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاهدارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد.

ماده 554 - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی می کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد - حکم بدهد:

(1) راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیأت طلبکارها - این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند.

(2) راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است.

ماده 555 - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده 556 - هر گاه مدیر تصفیه اعم از اینکه طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی با شخص ورشکسته یا با دیگری تبانی نماید یا قرارداد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرارداد به نفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

ماده 557 - کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است - طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیحق مسترد دارد.

ماده 558 - هر حکم محکومیتی که به موجب این فصل یا به موجب فصل سابق صادر بشود

باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی به تقصیر یا تقلب

ماده 559 - در تمام مواردی که کسی به واسطه ورشکستگی به تقصیر یا به تقلب تعقیب و

محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده 554 مذکور است از

صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده 560 - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و

نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه را به او بدهد.

باب سیزدهم - در اعاده اعتبار

ماده 561 - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن

تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقاً اعاده اعتبار می نماید.

ماده 562 - طلبکارها نمی توانند از جهت تأخیری که در اداء طلب آنها شده است برای

بیش از پنجاه سال مطالبه متفرعات و خسارت نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه

می شود در سال نباید بیش از صدی هفت طلب باشد.

ماده 563 - برای آنکه شریک ضامن یک شریک ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده

بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت

را پرداخته است ولو اینکه نسبت به شخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده 564 - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقودالاثار یا غائب بوده یا

اینکه از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون

است با اطلاع مدعی العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همین که تاجر معلوم کرد این

وجوه را سپرده است بری الذمه محسوب است.

ماده 565 - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از

تاریخ اعلان ورشکستگی می توانند اعتبار خود را اعاده نمایند:

- (1) تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد به عهده گرفته است پرداخته باشد. این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می شود.
- (2) تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده اند.

- ماده 566 - عرضحال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبته آن به مدعی العموم حوزه ابتدایی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است.
- ماده 567 - سواد این عرضحال در مدت یک ماه در اتاق جلسه محکمه ابتدایی و همچنین در اداره مدعی العموم بدایت الصاق و اعلان می شود به علاوه دفتردار محکمه باید مفاد عرضحال مزبور را به کلیه طلبکارهایی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد 561 و 562 کاملاً دریافت نکرده اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.
- ماده 568 - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد 561 و 562 طلب خود را کاملاً دریافت نکرده می تواند در مدت یک ماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرضحال اعاده اعتبار اعتراض کند.

- ماده 569 - اعتراض به وسیله اظهارنامه که به ضمیمه اسناد مثبته به دفتر محکمه بدایت داده می شود به عمل می آید - طلبکار معترض می تواند به موجب عرضحال در حین رسیدگی به دعوی اعتبار به طور شخص ثالث ورود کند.

- ماده 570 - پس از انقضای موعده نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی العموم به عمل آمده

است به انضمام عرایض اعتراض به رییس محکمه داده می شود رییس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین را به جلسه خصوصی محکمه احضار می کند.

ماده 571 - در مورد ماده 561 محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می دهد و در مورد ماده 565 محکمه اوضاع و احوال را سنجیده به طوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می دهد و در هر دو صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده 572 - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طالبکارهای معترض می توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند - محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده 571 حکم صادر می کند.

ماده 573 - اگر عرضحال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

ماده 574 - اگر عرضحال قبول شود حکمی که صادر می گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای این کار مقرر است ثبت خواهد شد.

اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم می دهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشاره می شود.

ماده 575 - ورشکستگان به تقبل و همچنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده اند مادامی که از جنبه جزایی اعاده حیثیت نکرده اند نمی توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند.

باب چهاردهم - اسم تجارتي

ماده 576 - ثبت اسم تجارتي اختياري است مگر در مواردی که وزارت عدلی ثبت آن را الزامي کند.

ماده 577 - صاحب تجارتخانه که شریک در تجارتخانه ندارد نمی تواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد.

ماده 578 - اسم تجارتي ثبت شده را هیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجارتي خود قرار دهد ولو اینکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد.

ماده 579 - اسم تجارتي قابل انتقال است.

ماده 580 - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنج سال است.

ماده 581 - در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامي شده در موعد مقرر ثبت به عمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت مأخوذ خواهد داشت.

ماده 582 - وزارت عدلیه به موجب نظامنامه ترتیب ثبت اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوطه به اسم تجارتي را معین خواهد کرد.

باب پانزدهم - شخصیت حقوقی

فصل اول - اشخاص حقوقی

ماده 583 - کلیه شرکتهای تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده 584 - تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تأسیس شده یا بشوند از

تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می کنند.

ماده 585 - شرایط ثبت مؤسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت

عدلیه معین خواهد شد.

حق الثبت مؤسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و به علاوه مشمول ماده 135 قانون ثبت اسناد و املاک است.

ماده 586 - مؤسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی یا نامشروع است نمی توان ثبت کرد.

ماده 587 - مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند.

فصل دوم - حقوق و وظائف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی

ماده 588 - شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظائفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظائف ابوت - نبوت و امثال ذلک.

ماده 589 - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود.

ماده 590 - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.

ماده 591 - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.

باب شانزدهم - مقررات نهایی

ماده 592 - در مورد معاملاتی که سابقاً تجار یا شرکتها و مؤسسات تجارتي به اعتبار بیش از یک امضاء کرده اند خواه بعضی از امضاکنندگان به عنوان ضامن امضاء کرده باشند خواه به عنوان دیگر طلبکار می تواند به امضاکنندگان مجتمعاً یا منفرداً رجوع

نماید.

ماده 593 - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آنها دارد قاطع مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست.

ماده 594 - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجارتي اشتغال دارند تا اول تیر ماه 1311 مهلت داده می شود که خود را با مقررات یکی از شرکتهای مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و الا نسبت به شرکت متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای مصوب خرداد ماه 1310 رفتار خواهد شد.

ماده 595 - هر گاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت اضافی داده شود مشروط بر اینکه در موقع تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود.

ماده 596 - تاریخ اجرای ماده 15 این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده 201 و تبصره آن و قسمت اخیر ماده 220 اول فروردین 1312 خواهد بود.

ماده 597 - شرکت های مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف 6 ماه از تاریخ اجرای این قانون هیأت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الا هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند.

ماده 598 - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده اند مشمول مقررات ماده 473 نبوده و از حقی که به موجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد.

ماده 599 - نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی های سابق قبل از تاریخ اجرای

این قانون طلب خود را مطالبه نکرده اند مدیر تصفیه هر ورشکسته اعلانی منتشر کرده و

یک ماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده 462 این قانون رفتار کنند و الا

مشمول مقررات ماده 473 خواهند شد.

ماده 600 - قوانین ذیل:

قانون تجارت مصوب 25 دلو 1303 و دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد 1304 - قانون

اصلاح ماده 206 قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تأدیه مصوب 2 تیر ماه 1307 - قانون

اجازه عدم رعایت ماده 270 و قسمتی از ماده 44 قانون تجارت نسبت به تشکیلات و

اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب 30 تیر ماه 1307 از

تاریخ اول خرداد ماه 1311 نسخ و این قانون از تاریخ مزبور به موقع اجرا

گذاشته می شود.

چون به موجب قانون 30 فروردین 1310 " وزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که به

مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه به موقع اجرا

گذاشته و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود

رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد

نماید" علیهذا (قانون تجارت) مشتمل بر ششصد ماده که در تاریخ سیزدهم اردیبهشت ماه

یک هزار و سیصد و یازده شمسی به تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده

است قابل اجراست.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

